



تنها مرکز تخصصی
صفحه چینی و قرم بندی سررسید



۱. بلند پروازی من آنست که در ده جمله چیزی را بگویم که کسی دیگر در یک کتاب می گوید. فردریش نیچه

۲. با دیگران بودن آلودگی می آورد. فردریش نیچه

۳. باید در تضادهای دوگانه شک کرد. از کجا معلوم که این تضادهای دوگانه اصلا وابسته به هم و یکی نباشند؟ در فلسفه معین ارزشی بیشتر از نامعین دارد همان طور که ارزش نمود کمتر از حقیقت است. فردریش نیچه

۴. نادرستی یک حکم باعث نمی شود که آن حکم را رد کنیم، احکام نادرست برای زندگی بشری ضروری است و رد کردن آنها را به معنای رد کردن زندگی است. فردریش نیچه

۵. حرف کسانی که می گویند عشق بری از خودخواهی ست خنده دار است زیرا همه چیز طبق خواست قدرت ما است. فردریش نیچه

۶. آنچه برای یک نفر سزاوار است نمی توان گفت برای فرد دیگر هم سزاوار است. به عنوان مثال انکار نفس و افتادگی سزاوار یک فرمانده نیست و برایش فضیلت محسوب نمی شود. حکم یکسان صادر کردن برای همه غیر اخلاقی ست. فردریش نیچه

۷. آینده از آن کسانی است که به استقبالش می روند. فردریش نیچه

۸. فرد خلوت نشین می گوید که واقعیت در کتاب ها نیست و فیلسوف آن را پنهان می کند. فرد والا از فهمیده شدن توسط دیگران در هراس است نه از بد فهمیده شدن چون می داند که کسانی که او را بفهمند به سرنوشت او یعنی رنج کشیدن در دنیا دچار خواهند شد. فردریش نیچه

۹. همه به چیزی دلبستگی دارند و افراد والاتر به چیزهای والاتر اما افراد فرومایه فکر می کنند که افراد والاتر به چیزی دلبستگی ندارند و ظاهری افراد فرومایه از سطحی نگری و ریاکاری آنهاست و بر پایه هیچ شناخت اخلاقی نیست. فردریش نیچه

۱۰. با رنج عمیق درونی آدمی از دیگران جدا می شود و والا می شود. فردریش نیچه

۱۱. انسان های آزاده دل شکسته و پر غرور خود را پنهان می کنند. فردریش نیچه

۱۲. کسانی که در خود احساس حقارت می کنند به دیگران رحم می کنند اما به دلیل غرورشان دم نمی زنند! یعنی درد می کشند و می خواهند با دیگران هم دردی کنند. کسانی که با دیگران همدردی می کنند به دلیل دردمند بودن خودشان است. فردریش نیچه

۱۳. لذت بیرحمی در دیدن رنج دیگران است اما فردی که بیرحم است این بیرحمی گریبانگیر خودش هم می شود و به ایشان نیز آزار خواهد رسید. فردریش نیچه

۱۴. کسانی که مردم از آنها به صاحبان اخلاق یاد می کنند اگر ما اشتباهشان را ببینیم از ما به بدی یاد خواهند کرد حتی اگر دوست ما باشند. فردریش نیچه

۱۵. اختلاف طبقاتی از ضروریات جامعه است چون عامل اشتیاق به پرورش حالت های والاتر کمیاب تر دورتر و عامل چیرگی بر نفس می شود. فردریش نیچه

۱۶. هر اخلاق و دستور اخلاقی طبیعت بردگی و حماقت را پرورش می دهد زیرا روح را با انضباط تحمیلی خود خفه و نابود می کند. فردریش نیچه

۱۷. یک دانشمند حتی برای عشق زمینی هم وقت ندارد! او نه رهبر است نه فرمانبردار. او کمال بخش نیست. سرآغاز هم نیست. او فردی بی خویشتن است. فردریش نیچه

۱۸. کسی که دلش را به بند بکشد جانش را آزاد کرده است. فردریش نیچه

۱۹. دانستن و از مسئولیت فروگذار نکردن و آن را به دیگران محول نکردن از نشانه های والا بودن است. فردریش نیچه

۲۰. آنچه والا بودن یک فرد را ثابت می کند کرده های او نیست چون بیخ و بن آنها معلوم نیست و معانی مختلف دارند بلکه ایمان اوست. فردریش نیچه

۲۱. مرد خواهان حقیقت است اما زن موجودی سطحی نگر می باشد. فردریش نیچه

۲۲. پاک نفس جدایی می آورد. فردریش نیچه

۲۳. انسان نمی تواند از غرایز خود فرار کند، وقتی از خطر جانی دور شود دوباره به غرایزش برمی گردد. فردریش نیچه

۲۴. نسبت به فرد پایین تر از خود نفرت نداریم بلکه نسبت به فرد برابر با خود یا بهتر از خود. فردریش نیچه

۲۵. کسی که بخواهد به سمت معرفت برود از خدا فاصله می گیرد. فردریش نیچه

۲۶. اجحاف نکردن و آسیب نرساندن به دیگران برای رسیدن به برابری اصل بنیادی جامعه است ولی این خواست نفی زندگی ست چون زندگی بهره کشیدن از دیگران است که ناتوان ترند. فردریش نیچه

۲۷. آدمی به خاطر نیاز به مراقبت و کمک دیگران با آنها ارتباط برقرار می کند. فردریش نیچه

۲۸. پیشداوری درباره اخلاق به این معناست که نیت اعمال را منشاء آنها می دانیم. فردریش نیچه

۲۹. از فلاسفه می خواهیم که به دنبال حقیقت نروند چون حقیقت نیاز به پشتیبان ندارد. فردریش نیچه هیچ پدیده ای اخلاقی نیست بلکه ما آن را اخلاقی تفسیر می کنیم. فردریش نیچه



۳۰. فلسوفی که درصدد آفرینش جهان بنا بر تصور خویش است می خواهد همه به فلسفه اش ایمان بیاورند و این همان روا داشتن استبداد بر دیگران است. فردیش نیچه
۳۱. حقیقت مانند دریا است که چون نمک آب دریا زیاد است تشنگی را رفع نمی کند. اگر حقیقت آدمی تحریف شود مثل آب شور دریا خواهد بود که تشنگی اش را رفع نخواهد کرد. فردیش نیچه
۳۲. خطر خوشبختی در این است که آدمی در هنگام خوشبختی هر سرنوشتی را می پذیرد و هرکسی را نیز. فردیش نیچه
۳۳. خیر نباید همگانی باشد وگرنه دیگر خیر نیست زیرا چیزهای همگانی ارزشی ندارند. فردیش نیچه
۳۴. نمی توان از همساز با طبیعت بودن یک اصل اخلاقی برای خود ساخت. زیرا طبیعت بی رحم است و اگر آدمی بخواهد مطابق با طبیعت زندگی کند باید بی رحم باشد. فردیش نیچه
۳۵. فلسفه همان خواست قدرت است همان خواست علت نخستین. فردیش نیچه
۳۶. کسی که جنگجوست باید همواره در حال جنگ باشد چون زمان صلح با خودش درگیر خواهد شد! فردیش نیچه
۳۷. استعداد آدمی را می پوشاند و وقتی استعدادش کاهش یافت آنچه هست نمایان می شود. فردیش نیچه
۳۸. باید بر فریب حواس خود پیروز شویم. فردیش نیچه
۳۹. دشمنان خود را دوست بدارید، زیرا بهترین جنبه های شما را به نمایش میگذارند. فردیش نیچه
۴۰. سیاستمدار انسان ها را به دو دسته تقسیم می کند: ابزار و دشمن. یعنی فقط یک طبقه را می شناسند و آن هم دشمن است. فردیش نیچه
۴۱. رفاقت هست، ای کاش دوستی نیز باشد! فردیش نیچه
۴۲. انسان های آزاده دل شکسته و پر غرور خود را پنهان می کنند. فردیش نیچه
۴۳. لذت بیرحمی در دیدن رنج دیگران است اما فردی که بیرحم است این بیرحمی گریبانگیر خودش هم می شود و به ایشان نیز آزار خواهد رسید. فردیش نیچه
۴۴. کسانی که مردم از آنها به صاحبان اخلاق یاد می کنند اگر ما اشتباهشان را ببینیم از ما به بدی یاد خواهند کرد حتی اگر دوست ما باشند. فردیش نیچه
۴۵. دروغ باد ما را هر حقیقتی که با آن خنده ای نکرده ایم! فردیش نیچه
۴۶. اختلاف طبقاتی از ضروریات جامعه است چون عامل اشتیاق به پرورش حالت های والاتر کیمیا تر دورتر و عامل چیرگی بر نفس می شود. فردیش نیچه
۴۷. هر اخلاق و دستور اخلاقی طبیعت بردگی و حماقت را پرورش می دهد زیرا روح را با انضباط تحمیلی خود خفه و نابود می کند. فردیش نیچه
۴۸. دانستن و از مسئولیت فروگذار نکردن و آن را به دیگران محول نکردن از نشانه های والا بودن است. فردیش نیچه
۴۹. آنچه والا بودن یک فرد را ثابت می کند کرده های او نیست چون بیخ و بن آنها معلوم نیست و معانی مختلف دارند بلکه ایمان اوست. فردیش نیچه
۵۰. حقیقت مانند دریا است که چون نمک آب دریا زیاد است تشنگی را رفع نمی کند. اگر حقیقت آدمی تحریف شود مثل آب شور دریا خواهد بود که تشنگی اش را رفع نخواهد کرد. فردیش نیچه
۵۱. فلسفه همان خواست قدرت است همان خواست علت نخستین. فردیش نیچه
۵۲. کسی که جنگجوست باید همواره در حال جنگ باشد چون زمان صلح با خودش درگیر خواهد شد! فردیش نیچه
۵۳. استعداد آدمی را می پوشاند و وقتی استعدادش کاهش یافت آنچه هست نمایان می شود. فردیش نیچه
۵۴. باید بر فریب حواس خود پیروز شویم. فردیش نیچه
۵۵. تو میتوانی، زیرا میخواهی! فردیش نیچه
۵۶. مرگ خود بهترین دلیل آسمانی انسان بودن است. فردیش نیچه